



وفات افلاطون الحكيم الالهى عليه السلام على الفرس سنة اثنتين وثمانين
ومايتين وخمسة الاف وفات اسكندر سنة تسع وثمانين منها **٥٢٩**
وفي تقويم التواريخ ولادت سيدنا يحيى بن زكريا وسيدنا عيسى بن مريم عليهم السلام
سنة اربع وثمانين وخمسة مائة وخمسة الاف **٥٥٨٣** ورفع عيسى عليه السلام
الى السماء سنة سبع عشرة وستماية وخمسة الاف **٥٦١٤** وفي تاريخ القدر
كل من الولادة والوفات بعد هذه السنتين خراب بيت المقدس مرة ثمانية
على يدى طيطوس الرومى في التقويم سنة سبع وخمسين وستماية وخمسة الاف
وفي تاريخ بيت المقدس بعده بسنتين **٥٦٥٤** ظهر ملكة رمضان من تقويم
التواريخ سنة ثمان وسبعماية وخمسة الاف **٥٦١٤** ومن التقويم التواريخ ظهور
المانى القاسم المبين سنة احدى وعشرين وثمان مائة وخمسة الاف **٥٨٢١** انتباه اصحاب
الكهف من نومهم سنة وثلثين وستة آلاف **٤٠٣٦** ظهر فرزدك المجوسى سنة ثمان
عشرة ومائة وستة الاف **٤١١٨** ثم التقفان ولادة النبى صلعم سنة ثلث وستين
ومائة وستة الاف **٤١٤٣** والله اعلم ولكن لا يخفى ان هذه السنين سنون شمسية
والسنون مأخوذة من مولد النبى صلعم الى حيث اخذ قرية وجمعها فى الحبس لا يخلو
عن مسامحة بل انما سبب امار جاع ما بعد المولد الى الشمسية او ارجاع ما قبلها
الى القرية فاعلم ان من يهبط آدم عليه السلام الى المولد الشريف اذا اخذ
قرية صارت سنة و آلاف و ثلث مائة و احدى و خمسون سنة قمرية
٤٣٥١ و مايتان و تسعة و خمسون يوما و هو قريب من سبعة اشهر و من المولد
الشريف الى آخر سنة **٤٣٥٠** من الهجرة المقدسة ثلث و خمسون و الف و
مايتان فمن يهبط آدم عليه السلام الى آخر تلك السنة سبعة آلاف و
ست مائة و اربع سنين قمرية و اشهر بضع و اربع و خمسون من المولد الشريف الى
آخر السنة المذكورة الف و مايتان و ثمانية عشر سنة شمسية و ستون
يوما بالتقريب هو قريب من شهرين فمن يهبط آدم عليه السلام الى آخر السنة
المذكورة سبعة الاف و ثلث مائة و احدى و سبعون سنة شمسية فاحفظ
فان جمهور اهل التاريخ ومنهم صاحب تاريخ القدس والتحليل و تقويم التواريخ قد

لولیه و نریند از امیر **حدیث** لعن اللہ الناجیة والمستعمتة **حم** عن ابن مسعود **ترجمہ** لعن کر
 خدا بتعالیٰ زن فوطہ کننده را و شونزه آنرا **حدیث** لعن اللہ الواصلة والمستوصلة
 والواشمة والمستوشمة عن ابی سعد **ترجمہ** لعن کر خدا بتعالیٰ موی در سر زنان پیوندد
 کننده را و موی در سر خود پیوندد کننده را و بسوزن در بدن کسی نشان کننده را
 و بسوزن در بدن خود نشان کننده را **حدیث** لعن اللہ الواشئات والمستوشئات
 والمستمتصات والمستصلجات للحسن المصنعات خلق اللہ **حدیث** عن ابن عمر **ترجمہ**
 لعن کر خدا بتعالیٰ زنان نشان کننده را و بسوزن در بدن کسی را و
 زنان نشان کننده را و در بدن خود بسوزن و زنان موی چنبدگان از
 چنبد و سر خود زنان و زنان کشا و دکنندگان بسوزن و غیره برای حسن
 تغیرندگان بدنیش **حدیث** لعن اللہ زائر القبور والمتخذین علیہا المساجد
 والشرج **ترجمہ** عن ابن عباس **ترجمہ** لعن کر خدا بتعالیٰ زنان زیارت
 کنندگان قبور را و مقبر کنندگان بر گورهای مساجد را و روشن کنندگان چراغها
 را بر آن **حدیث** لعن اللہ زوارات القبور عن حسان بن ثابت عن
 ابی هريرة **ترجمہ** لعن کر خدا بتعالیٰ زنان زیارت کنندگان گور را **حدیث**
 لعن اللہ الهامسة وجهها والشافنة جیبها والداعية بالویل والبشر عن ائمة **ترجمہ**
 لعن کر خدا بتعالیٰ زن خراشیده چهره خود را و چاک کننده جیب خود را
 و آواز کننده به وادیل و هلاکت **حدیث** لعن اللہ من سب اصحابی **ترجمہ** لعنة
 کر خدا بتعالیٰ آن شخص را که زبون گفت اصحاب مرا **حدیث** لیسن بن
 العبد والشرك الا ترک الصلوة فاذا ترکها فقد اشرك عن انس **ترجمہ**
 نیست جمع کننده در میان بنده و شرک مگر ترک نماز پس هر گاه که ترک کرد
 از این تحقیق مشرک شد **حدیث** لا تجلسوا علی القبور ولا تصلوا الیہا عن ابی
 مسعود **ترجمہ** من شبید بر گور را و نه نماز کند از دید بسوی آنها **حدیث** بنی عن حذر
 الدف ولعب الصبح وضرب الزمار عن علی علیه السلام **ترجمہ** منع فرمود و بیخیر خدا
 صلح از زدن دف و چنگ بازی و زدن زمار **حدیث** بنی عن اجابت
 الطعام الفاسقین عن عمران **ترجمہ** منع فرمود و بیخیر خدا صلح از قبول کردن طعام

هر که این آفات و گناهان را روا دارد و گوارا نماید و طعن و تشنیعی که باین سبب
عاید حال قباح است شامل میشود از آن بایستی نماید و چون که نکاح دوم شود بدست او خلاف
رواجی برهم گردد و آنرا بگمان خود بدتر از اینی بریدن و اندلس جالسین بدتر از حال او محسوس
که گوشت گاو نخورد و وقت حاجت تناول گوشت حرام و گوارا کند و چون که مرضی زن
ثابت باشد باز و از نالانش مخالفت کند پس این ظلمی است صریح و حرامی است قبیح که
بیش از گناهان است لهذا در قرآن شریف حق تعالی از این مخالفت منع فرموده
و این را بوجه عذیه مبین ساخته و از خلاف رواج هیچ نقصان عاید حال نمیکرد و نه
نقصان مال نه نقصان آبرو و هر چند که اگر آن هم بود در یکجا آوری حکم شرعی باید که گوارا
باشد و درین دیار و درین زمان نقصانیکه متوهم می شود همین که اهل قرابت برادر
از وی جدا خواهند شد پس این چنین امور الزوم و نیاداری پیش می آید و جدا
ترک طاقات می شود بنا بر این توهم مانع ازین کار خیر چه قدر دوری از اهل ایمان است
و این هم یقین است که چنانکه نادانان و جاهلان از اهل قرابت برادری جدا خواهند
و انایان و واقفان شرح شریف زیاده طاقات التیام خواهند نمود و خوف آنکه
مردم در غیبت بگویند و او را طعن نمایند پس ازین خوف این ظلم را گوارا کردن سخت
ترین خللی ایمان است چه از طعن عیب کمتر انسان خالی می شود و کسبت که او را
کسی غیبت طعن نمیکند و بدینگونه با آنچه که عذرانه ندارند که مقابل حکم شرعی
کار آمدنی نیست و بعضی بیوقوفان با وجود این مانع هر گاه می شوند که در حدیث
است که هر که را دختران باشند و آنکس احسان و خوبی در حق آنها کند باعث
رمانی از عذاب خواهد شد میداند که ما هم از حید احسان کنندگان ام این دانستن
نهایت سفاکی است چه او را از احسان کنندگان بموجب شرع شریف نباید
گفت بلکه از ظالمان بر دخران باید دانست اگر چه موجب مذہب نبود در احسان
و خوبی خلل نباشد پس قیامت مجازات نیک بر اتباع شرع شریف است
نه بر اتباع مذہب نبود و کار و دختران را که هنوز بر خود تنگ گرفته اند و در مسلمانا
هندوستان این معنی سراسر کرده باعث دوفساده سخت گردیده **اول**
کشتن دختران که رواج پذیر در اقوام رنگه‌ان و راجوتان و غیره می‌باشد

عن ابی امامه من اجاب سئالی فقد اجنی ومن اجنی کان معی فی الجنة السخری عن انس
ترجمه هر که زنده که در طبقه مرا پس محقق دوست داشت مرا و هر که دوست داشت مرا
خواهد بود در بهشت با من **حدیث** من دل علی جز فتنه آفر فاعله عن ابی مسعود ترجمه هر که
رهنمایی کرد بر نیکی پس او را مانند اجر کننده آن نیکی خواهد شد **حدیث** من عمل عملاً
لیس علیه امرنا فهو روعن عایشه رضی روابت کرد این حدیث بخاری و مسلم و ابوداؤد
و ابن تاجه عن عایشه رضی ترجمه هر که عمل کرد عملی که نیست بر آن حکم ما پس آن مرد دوست
باب العدة الفصل الاول حدیث ثانی در بخاری و عن ام حبیبه و ریب بنت جحش
عن رسول الله صلعم قال لا تحل لامرأة یوم من باله والیوم الاخر کحذوف ثلث لیل الا
علی زوجة اربعة اشهر و عشرة ولا تلبس ثوباً مصبوغاً الا ثوب عصب متفق علیه ترجمه
از پیغمبر خدا صلعم روایت کرد که فرمود و پیغمبر صلعم حلال نیست زنی را که ایمان میدارد
بر خدا و روز آخرت که سوگ کند زبانه از سه شب مگر بر شوهر چهار ماه و ده روز و
نباشد جامه رنگین مگر جامه سفید **حدیث** عن مالک باسناده ان رسول الله صلعم
قال اللهم لا تجعل قبری وثناً یعبد الله غضب الله علی قوم اخذوا قبوراً بیننا فیهم مساجد ترجمه
بدستیکه پیغمبر خدا صلعم دعا کرد و بجانب الهی که ای پروردگار حق مگردان قبر مراست که
پرستیده شود و سخت شده غضب خدا بر قومی که ساختند قبرهای انبیاء و حوز را سجده گاه
حدیث مالک انه بلغه ان علی ابن ابی طالب کان یؤتد القبور و یضطج قال مالک و انما
هنی عن القبور علی القبور فها تر الذاهب کتاب الحاء موطاء مالک ترجمه بدستیکه
علی ابن ابیطالب نیکه میزد بر گورهای و می غلطید بر آنها گفت امام مالک و آنکه هنی و اربست
در شرح از نشستن بر گورها و در علم ما آن است که هنی از نشستن برای قضاء حاجت فقط
حدیث من ترک الصلوة متعمداً فقد کفر و اهل مسلم ترجمه یعنی کسی که ترک کرد نماز را
بقصد او کافر است و بعضی فقها بر آنند که مجزئ نیست و نزد امام احمد جعل رضی الله تعالی عنه
کافر مطلق میگوید کسی که قصد نماز ترک کند فقط **حدیث** من حلف لغير الله فقد
اشرك ترجمه کسی که سوگند خورد بغير الله به اعتقاد تعظیم آن پس او شرک کرده اند غیر را
بخدا و تعظیم و بعضی فقها بتکفیر قائل شده اند و روایت کرد این حدیث را عمر
حدیث رواه الترمذی عن ابی هريرة قال رسول الله صلعم لا تخلفوا اباءکم و لا مہاتکم